



# ان.ال.پی

## فوانین ضمیر ناخودآگاه انسانک

می‌باشد و طبق اطلاعات ورودی، برنامه‌ریزی را بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی انجام می‌دهد. ضمیر ناخودآگاه نیز درست مانند یک ابررایانه، اطلاعات را از طریق حواس دریافت نموده و در ذهن، پردازش و تولید رفتار می‌کند؛ اگر این اطلاعات ورودی، مثبت و خوب باشد، رفتار و عادت‌های خوب تولید می‌نماید و اگر غلط باشد، نتیجه‌ای جز رفتار و عادت‌های اشتباه نخواهد داشت. طبق تحقیقات دانشمندان، ضمیر ناخودآگاه از همان آغاز دوران جنینی، کار خود را برای برنامه‌ریزی آغاز می‌نماید؛ با این تفاوت که در این دوران، حواس مادر، نقش کانال‌های ارتباطی را در کودک برعهده دارد یعنی هرآنچه که مادر ببیند، لمس کند، بشنود، بخورد و بیاشامد، دقیقاً اطلاعاتی است که به ضمیر ناخودآگاه کودک ارسال می‌نماید؛ به همین دلیل، این دوران از اهمیت ویژه‌ای جهت تعلیم و تربیت برخوردار است و تا سه‌سالگی ادامه دارد.

### ■ ضمیر ناخودآگاه، اطلاعات را از حس ششم نیز دریافت می‌نماید

حس ششم یا چشم سوم، از حواس مافوق طبیعی انسان‌ها بوده و می‌توان مانند دیگر حواس، آن‌را تقویت کرده و از پیام‌های آن در راستای رسیدن به موفقیت و سلامتی، نهایت استفاده را

■ **ضمیر ناخودآگاه، هیچ عادت و رفتاری را برای ما برنامه‌ریزی نمی‌کند مگر به منظوری مفید و مثبت**  
تمامی قوانین ضمیر ناخودآگاه، در زندگی اهمیت دارد اما این قانون، در بیش‌تر مراحل زندگی، جایگاهی ویژه دارد. ضمیر ناخودآگاه، مانند یک رایانه است که قادر به برنامه‌ریزی می‌باشد و یکی از وظایف آن، تولید رفتار و عادت‌هاست. ضمیر ناخودآگاه، تمامی عادت‌ها و رفتارها را در صورتی برای ما برنامه‌ریزی می‌کند که پشت آن‌ها، منظوری مثبت و مفید وجود داشته باشد؛ خواه، این عادت مثبت باشد یا منفی. ما در علوم «هیپنوتیزم اریکسونی» و «ان.ال.پی» یاد می‌گیریم که چگونه با انجام تکنیک‌های ذهنی، عملی و استفاده از قدرت‌های ضمیر ناخودآگاه، عادت‌های مثبت را جایگزین نماییم زیرا با جایگزینی هدف‌های مفید، ضمیر ناخودآگاه حفظ شده و تنها نوع عادت، تغییر کرده است.

### ■ ضمیر ناخودآگاه، اطلاعات را از طریق حواس پنج‌گانه دریافت می‌نماید

یک رایانه جهت برنامه‌نویسی، نیازمند وارد نمودن یک سری اطلاعات

برد. با تقویت حس ششم می‌توان پیام‌های ارسال شده از طریق ضمیر ناخودآگاه را درک و از آن‌ها استفاده نمود. پیام‌هایی مانند دلشوره، الهام، شنیدن اصوات خاص و برخی رؤیاهای همگی از پیام‌های حس ششم به شمار می‌آید که توسط ضمیر ناخودآگاه، پردازش می‌گردد.

### • ضمیر ناخودآگاه، از آن‌جاکه محل ثبت اطلاعات دائمی‌ست، از حافظه‌ای بسیار قوی برخوردار است

تمامی اطلاعات دریافت‌شده از لحظه تولد تا مرگ، همگی بدون نقص در ضمیر ناخودآگاه ذخیره می‌شود و در شرایط خاص عصبی می‌توان به این خاطرات، دسترسی پیدا نمود. امروزه ثابت شده که هیچ اطلاعاتی، از ذهن انسان پاک‌شدنی نیست و عدم یادآوری آن، دلیل بر حذف اطلاعات نمی‌باشد. به‌دلیل همین قانون، برخی اوقات ما در طول روز، ناگهان به یاد یکی از دوستان قدیمی خود می‌افتیم یا خوابش را می‌بینیم. اگر کمی این ضمیر را بشکافیم، متوجه خواهیم شد که در طول روز، دلایلی وجود داشته که موجب شده ضمیر ناخودآگاه، خاطره‌ی آن دوست را به ما یادآور شود، حتی اگر این خاطره و اطلاعات، مربوط به ده‌ها سال پیش باشد. در بسیاری از این مواقع، ما نمی‌توانیم دلیل یادآوری ضمیر ناخودآگاه را پیدا کنیم زیرا ضمیر ناخودآگاه، شرایطی که در گذشته هنگام وقوع آن موضوع، اتفاق افتاده را به‌خاطر سپرده و همان نشانه‌ها را چندین سال بعد، دریافت می‌کند و به‌صورت خودکار، موجب یادآوری خاطره‌ی مورد نظر می‌شود.

### • ضمیر ناخودآگاه، دارای قدرتی مافوق حواس است

یعنی در کیفیت درک اطلاعات از طریق حواس، فوق‌العاده سریع و قوی عمل می‌نماید. با ذکر چند نمونه، این قانون را بیان می‌کنیم. وقتی در یک محیط شلوغ قرار می‌گیرید، در سطح خودآگاه، تنها صداهایی را به‌طور کامل متوجه می‌شوید که توجه‌تان روی آن باشد، در صورتی‌که ضمیر ناخودآگاه، تمامی صداهای محیط را به‌صورت کامل درک و ضبط می‌نماید، هم‌چنین در خصوص حس شنوایی، قادر است فرکانس‌هایی که در حالت عادی با گوش شنیده نمی‌شود را دریافت و نسبت به آن‌ها برنامه‌ریزی کند. این کیفیت در حس بینایی نیز وجود دارد، به‌صورتی‌که قادر است تمامی تصاویر را اسکن نماید و به‌خاطر بسپارد. برای نمونه قادر است یک صحنه‌ی فیلم را با تمامی فریم‌های تولیدشده ببیند (تمامی ۲۴ فریم در ثانیه). شرکت‌های تبلیغاتی در دنیا از همین قانون، استفاده‌های بسیاری برده‌اند.



استاد امیرحسین غروی

فارغ التحصیل در ان.ال.پی - هیئت‌مدیره اریکسون و اناگرام

## در امور عادی، به‌دنبال خارق‌العاده‌ها بگردید!

دو کارگر در جایی مشغول کار بنایی بودند. در همان حال، یک گزارشگر از کارگر اولی می‌پرسد: «چه کار می‌کنی؟» جواب او، سراسر شکوه و شکایت است و می‌گوید که او را به کار گل واداشته‌اند؛ بنایی با مزد ناچیز که روزهایش را با چیدن آجرها روی هم، به تلف کردن عمر می‌گذراند.

گزارشگر، از کارگر دوم نیز همین سؤال را می‌پرسد. پاسخ او، به‌طور کامل متفاوت بود. او می‌گوید: «من خوشبخت‌ترین مرد روی زمین هستم. من در کار گذاشتن قطعه‌های مهم و زیبای عمارت، سهم دارم و کمک می‌کنم که تکه‌های آجر، به شاهکاری عالی تبدیل شوند.»

هردوی آنان راست می‌گفتند. واقعیت این است که ما در زندگی، چیزی را می‌بینیم که می‌خواهیم ببینیم؛ اگر به‌دنبال زشتی باشیم، به میزان زیاد، آن را پیدا خواهیم کرد. اگر می‌خواهیم عیب و ایراد افراد دیگر، حرفه و شغل خود یا به‌طور کلی، دنیا را پیدا کنیم، به‌طور حتم در این کار، موفق خواهیم شد اما برعکس آن نیز درست است. اگر در امور عادی، به‌دنبال جنبه‌ی خارق‌العاده‌ی آن بگردیم، می‌توانیم طوری خود را عادت‌دهیم که آن جنبه را ببینیم. می‌توانیم هماهنگی خارق‌العاده‌ی آن را که در جهان وجود دارد، به چشم ببینیم؛ کمال کائنات را در حین کار، راه زیبایی خارق‌العاده‌ی طبیعت و معجزه‌ی توصیف‌ناپذیر زندگی بشر را. به‌نظر، همه‌ی این‌ها به هدف آدمی برمی‌گردد. بسیاری چیزها هست که باید قردان و سپاس‌گزارشان باشیم و چه بسیار چیزها که باید از سهمگینی و هیبت آن‌ها، در خود فرو رویم.

زندگی، گران‌قدر و خارق‌العاده است. اگر توجه خود را به این واقعیت معطوف کنید، آن‌گاه چیزهای کوچک و عادی، معنای تازه‌ای پیدا خواهند کرد.

منبع: «برای چیزهای کوچک مویه مکن» ریچارد

کارلستون

تهیه و تنظیم: جواد جداوی